

علل ناسازگاری دانش آموزان

زهرا قنبرپور^۱

^۱ دانشجو معلم دبیری الهیات/فرهنگیان - پردیس حضرت معصومه (س)-قم

چکیده

هدف مطالعه ی حاضر بررسی علل ناسازگاری دانش آموزان در زمینه های مختلف است. ناسازگاری دانش آموزان در محیط آموزشی، بحث های زیادی را به خود اختصاص داده است. رفتارهای ناسازگارانه رفتارهایی هستند که با نظر پدر و مادر، معلمان، مدرسه و جامعه تطابق ندارد. اطرافیان این بچه ها احساس ناخوشایندی نسبت به رفتار آنها دارند به طوری که واکنش اطرافیان برای آنها نیز ناخوشایند است. این گونه رفتارها در بین پسرها بیشتر از دختران است. این اختلال با مشکلات دیگر دانش آموز شباهت زیادی دارد و تفکیک کردن آنها دشوار است. صفات و رفتارهایی که معلمان آنها را رفتار ناسازگار تلقی می کنند به شرح زیر است: پرخاشگری، گستاخی، حاضر جوابی، بهانه گیری، گوشه گیری، بی اعتنائی، دروغ گویی، بی نظمی، قانون شکنی و نظایر آن.

واژه های کلیدی: ناسازگاری، رفتار، محیط آموزشی، ناخوشایند، واکنش.

مقدمه

روانشناسان پس از بررسی هایی که در زمینه شخصیت افراد بعمل می آورند آنها را در یکی از دو دسته زیر قرار می دهند:

۱. گروه عادی، طبیعی، بهنجار، سازگار که از چنان تعادلی عقلی، روانی، عاطفی و از سلامت جسمانی برخوردار هستند.

۲. گروه غیرعادی، غیرطبیعی، نابهنجار، ناسازگار که از چنان تعادلی برخوردار نیستند و رفتارشان غیرطبیعی است. اینان همان کسانی هستند که برای والدین و مربیان مساله می آفرینند و دشواری هائی برای زندگی پدید می آورند.

تعریف ناسازگاری

در مورد این سوال که ناسازگار کیست نظرات متفاوتی عرضه شده است ولی از جمع نظرات میتوان به این نتیجه رسید: ناسازگار کسی است که رفتارهای گوناگون، غیرعادی و طبیعی، دشوار و مزاحم دارد. فردی است انعطاف ناپذیر، در شرایط گوناگون نمی تواند خود را با اعضای جامعه و خانواده اش هماهنگ سازد. رفتار او به گونه ای است که آشکارا از قبول مقررات اجتماعی سرباز می زند. توقعات و معتقداتی دارد که موافق با ارزشهای مورد قبول نیست. عمل درست و واقع بینانه ندارد، در صدد ارزیابی رفتار خود نیست که بدانند آیا درست است یا نادرست. در مواردی بادیگران دعوای کنند آن چنان که همه از او گله مندهستند و زمانی از جمع می گریزد و در گوشه ای منزوی می شود؛ حال او عادی نیست و در کل روحیه خوبی ندارد.

بعضی از روان شناسان دسته بندی هایی را برای نارسایی و ناسازگاری رفتاری عنوان کرده اند که در اینجا به چند نوع آن اشاره می کنیم:

۱- نوع اول رفتارهایی هستند که برای جلب توجه، از افراد سر می زند مانند ایجاد سر و صدای بلند، تقلای مداوم، خشونت های بدنی و زبانی. برای مثال دانش آموزی که بدون سبب دائماً جیغ می زند و مرتب از جای خود به بهانه های مختلف بلند می شود و حرف زشت می زند از این قبیل است.

در حقیقت این گونه دانش آموزان با این حرکات و رفتارها توجه معلم و دیگران را به خود جلب می کنند. اگر چه این توجه منفی است ولی شاید تنها راهی است که دانش آموز می تواند به معلم بگوید (من هستم).

۲- علل اصلی رفتارهای نوع دوم که با اضطراب و گوشه گیری همراه است عبارتند از: حساسیت زیاد از حد، احساس حقارت، عدم اعتماد به نفس، ترس و واهمه. این رفتار کودکانی است که به جای بد رفتاری کردن، کم رفتار عمل می کنند و این رفتاری است که برای کسی مزاحمت ایجاد نمی کند ولی مشکلات آن از گروه نوع اول کمتر نیست.

۳- در نوع سوم خصوصیات رفتاری عبارتند از: بی علاقه گی، کندی یا عدم فعالیت مناسب، در خواب و خیال بودن، با اجسام صدا در آوردن، خط خط کردن میز و صندلی. این گونه رفتارها در کودکان بزرگتر احتمالاً تاخیر در رشد رفتاری را نشان می دهد. اختلالات عاطفی- هیجانی و بیماری های روانی کودک معمولاً به صورت اختلالات رفتاری نمایان می شود و اگر ادامه پیدا کند مانع رشد طبیعی او شده و یا آن را به تاخیر می اندازد.

در کودکانی که سن بیشتری دارند این اختلالات بر حافظه، تمرکز و حواس و فعالیت‌های فکری‌اش تاثیر می‌گذارد. در این حالت کودک نمی‌تواند تکالیف مدرسه را در سطحی انجام دهد که مورد رضایت اولیای مدرسه باشد. مهارت‌های کسب شده تدریجی مانند کنترل ادرار در شب ممکن است از بین برود و کودک از نظر رفتاری دچار اختلال و یا حتی انحطاط شود.

هدف از تدوین و تنظیم این مطالب بررسی برخی از اختلالات ایدایی و شناخت هرچه بهتر این مشکلات در تعاملات دانش‌آموزان با یکدیگر و نوع رفتار آنها در محیط آموزشی و زندگی (خانواده) است.

کودکان ADHD در تمرکز کردن مشکل بزرگی دارند. این‌گونه کودکان به نظر می‌رسد که بی‌توجه‌اند و مشکلات ویژه‌ای در کنترل فعالیت‌هایشان در موقعیت‌هایی که از آنها خواسته می‌شود بنشینند داشته باشند. مثلاً در مدرسه، سر کلاس درس و یا زمان صرف غذا وقتی که نیاز به بی‌حرکتی است در توقف حرکت و یا صحبت کردن ناتوان هستند.

آنها به‌طور مداوم حرکت می‌کنند، بی‌نظم و غیرقابل پیش‌بینی و بی‌ملاحظه هستند همچنین فعالیت‌ها و حرکات آنها به نظر اتفاقی است. آنها خیلی سریع کفش‌ها و لباس‌هایشان را فرسوده می‌کنند

اسباب بازی‌های خود را می‌شکنند و بسیار زود خانواده، معلمین و دوستان خود را خسته می‌نمایند. از برجسته‌ترین ویژگی‌های این اختلال بی‌قراری افراطی و فراخنای توجه بسیار ضعیف است که به رفتار تکانشی و فاقد سازمان منجر می‌شود.

بر اساس درجه‌بندی والدین- معلمین یک‌چهارم تا یک‌دوم از کودکان و نوجوانان بی‌قرارند اما هدفمند عمل می‌کنند ولی فعالیت کودکان ADHD فاقد نظم و هدف است.

یک کودک طبیعی اگر ترغیب شود می‌تواند بنشیند و تمرکز کند ولی برای یک کودک ADHD انجام چنین عملی غیرممکن است، پس عامل ممیزه رفتار حرکتی کودک ADHD کیفیت اتفاقی آن است نه افراطی بودن آن. این دانش‌آموزان در پی‌گیری آموزش و به پایان رساندن تکالیف مشکلات عمده‌ای دارند. آنها اغلب نمی‌توانند حتی به یاد آورند که باید چه کار کنند.

این کودکان از نظر سازگاری اجتماعی نیز مشکل داشته به‌طوری که از بازی‌های متناسب با سن امتناع می‌ورزند، در بازی‌های گروهی اخلاخل ایجاد کرده و قشوق به‌راه می‌اندازند و باعث نزاع می‌شوند.

در واقع ADHD بر مراقبت از خود استقلال و اعتماد به نفس اثر منفی گذاشته و حوزه‌هایی را که کودک لازم است در آنها مهارت پیدا نماید تا تبدیل به یک موجود اجتماعی شود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگرچه کودکان به‌طور عادی تا اندازه‌ای بی‌قرارند ولی چنانچه بی‌قراری شدید و دائمی بوده و در رفتار کودک هماهنگی وجود نداشته باشد در این صورت بی‌قراری جنبه مرضی پیدا می‌کند.

شروع بیماری در پسران ۴ برابر بیشتر از دختران است و اکثر روان‌پزشکان عقیده دارند که اگرچه شروع بیماری قبل از ۳ سالگی است ولی تشخیص بیماری در هفت سالگی که کودک به مدرسه می‌رود و احتیاج به آرامش، دقت و تمرکز حواس دارد انجام می‌گیرد.

اکثر این کودکان از قوای درک و هوش طبیعی حتی بالاتر برخوردارند و خرابکاری‌های خود را به‌طور غیرمترقبه و ناگهانی انجام می‌دهند. مثالی در این مورد وضعیت کودکی است به نام علی که بیش از حد معمول ناراحت و بی‌قرار بوده است.

این کودک لحظه‌ای آرام و قرار نداشت و حتی با دستان خود به در می‌کوبید که بچه‌ها زنگ تفریح است و همیشه می‌خواست سر کلاس توجه بچه‌ها و اطرافیانش را به خودش جلب کند و اگر چاره‌ای داشت به‌جای درب از پنجره وارد کلاس می‌شد. البته طبق بررسی‌ها نشان داده شد که از لحاظ وضعیت خانوادگی کاملاً در سطح مشکل و اختلافات خانوادگی قرار دارد.

ناپایداری در این کودکان از ماه‌های اول زندگی به‌صورت حساسیت به نور، صدا، حرارت، گریه زیاد و خواب کم، فرار از آغوش مادر، جیغ زدن و لگد زدن خود را نشان می‌دهد. خواب و خوراک در این بچه‌ها عادی است. معمولاً اما در منزل بسیار ناراحت و در مدرسه بی‌قرارند. در انجام دادن تکالیف تحصیلی نظم و ترتیب خاصی ندارند و به‌راحتی نمی‌توان آنها را حمام کرد و لباس پوشاند.

ADHD اغلب به دو دلیل در سال‌های اولیه مدرسه بیشتر تشخیص داده می‌شوند اول این‌که تشخیص این اختلال قبل از سنین ۴ و ۵ سالگی به خاطر این‌که در این دوره رشدی رفتارهای کودکان عادی شبیه به ملاک‌های موجود در ADHD است دشوار است. دوم این‌که موقعیت و شرایط مدرسه از کودکان تقاضاهایی دارند که در محیط‌های اولیه ما شاهد آنها نیستیم. یعنی کودکان در مدرسه لازم است آرام بنشینند، به معلم توجه کنند و تکالیف چالش‌برانگیز را انجام دهند. این‌گونه خواسته‌ها که در سطوح سنی بالاتر افزایش می‌یابند مشکلات توجه را برجسته کرده و ایجاد ناتوانی برای کنترل سطح فعالیت می‌نمایند.

روحیه ها، حالات و ویژگی

افراد ناسازگار روحیه و حالاتی دارند که آگاهی از آنها می‌تواند برای والدین و مربیان آموزنده و جهت دهنده باشد. برخی از حالات و روحیه آنها بدین شرح اند:

- قرار و آرام ندارند و نمی‌توانند در جایی ساکت و آرام بنشینند.
 - به خود مغرور و بسیار دوستدار خویشند و خودپسندی و خودمداری بسیاری دارند.
 - از پختگی لازم برخوردار نیستند و نمی‌توانند واقع بینانه عمل کنند.
 - برخی از آنان کمتر خود را در میان جمع نشان می‌دهند و حضورشان اندک است.
 - از مدرسه و کارهای درسی گریزانند و علاقه‌ای به درس و تحصیل نشان نمی‌دهند.
 - انتظارات و توقعاتشان معقول و ریشه دار نیست.
 - قادر نیستند به وضعی معقول توقعات دیگران را برآورده سازند.
 - اغلب آنها چهره‌های اخمو و ناراحت دارند آن چنان که به زحمت می‌توانند با شادی و طراوت بخندند.
 - قادر نیستند انگیزه‌ها و اهداف خود را تغییر دهند و بدین نظریه همان‌گونه که می‌خواهند عمل میکنند.
 - نمیتوانند بر خوردی صادقانه با مسائل و امور داشته باشند و در مواردی بسیار به حيله و فریب متوسل میشوند.
 - و بالاخره رفتارشان بگونه‌ای است که تماس و برخورد با آنها دشوار و نسبتاً غیر قابل تحمل است.
- ناسازگاری علل و انگیزه‌های زیادی می‌تواند داشته باشد که مهمترین آنها عبارتند از: علل ارثی، علل زیستی، علل عاطفی و علل اجتماعی. عوامل دامن زننده به ناسازگاری نیز می‌تواند ناشی از خانواده، مدرسه و اجتماع باشد. همین موضوع سبب شد تا در این مقاله به بررسی علل ناسازگاری دانش آموزان را در مقاطع و سنین مختلف مورد بررسی قرار دهیم.

پیشینه پژوهش

مقالات متعددی در زمینه ناسازگاری نوشته شده از جمله: (منطری توکلی - وحید- بررسی تأثیر آموزش راهبردهای پردازش هیجان مدار بر سازگاری تحصیلی دانش آموزان ناسازگار - تابستان ۱۳۹۷) بیان کرده است .

جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان پسر ناسازگار در مدارس دوره متوسطه دوره دوم ناحیه ۲ شهر کرمان هستند که به مرکز مشاوره اداره آموزش و پرورش ارجاع داده شده بودند. نمونه مورد بررسی عبارت بود از ۳۰ دانش آموز دوره متوسطه (هر گروه ۱۵ نفر) که با اجرای آزمون سازگاری (AISS) ناسازگار تشخیص داده شدند با گمارش تصادفی به دو گروه آزمایش و گروه کنترل تقسیم شدند. به گروه آزمایش ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای راهبردهای پردازش هیجان مدار آموزش داده شد و گروه کنترل در این مدت آموزشی دریافت نکردند. داده‌ها با استفاده از میانگین، انحراف استاندارد و تحلیل کواریانس تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد آموزش راهبردهای پردازش هیجان مدار بر سازگاری تحصیلی دانش آموزان ناسازگار دوره متوسطه

تأثیر معناداری دارد».

درمقاله دیگری (عارف نیا - سمانه؛مقایسه طرح واره های ناسازگار اولیه در دانش آموزان دوره راهنمایی دارای اضطراب مدرسه و دانش آموزان عادی- زمستان ۱۳۹۱) بیان کرده است که: «در یک مطالعه مقطعی، تعداد ۳۶۰ دانش آموز به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از بین مدارس شهرستان ماکو انتخاب و پس از غربالگری، در دو گروه دارای علائم اضطراب مدرسه بالا و پایین جایگزین شدند. داده های پژوهش با استفاده از روش میدانی و از طریق پرسشنامه اضطراب مدرسه فیلیپس (SAS) و پرسشنامه طرح واره برای کودکان (SIC) گردآوری شد. همچنین داده ها با روش آماری تحلیل کوواریانس چندمتغیری مورد تحلیل قرار گرفت. یافته ها نشان داد که میانگین نمرات همه طرح واره های ناسازگار اولیه در دانش آموزان با علائم اضطراب مدرسه بالا نسبت به دانش آموزان با علائم اضطراب مدرسه پایین، بیشتر بود. دختران در طرح واره ناسازگار گرفتار، نمرات بیشتری نسبت به پسران نشان دادند. بنابراین طرح واره های ناسازگار اولیه با اضطراب مدرسه مرتبط بوده و در آن تأثیرگذار است».

درمقاله دیگری (زنگی آبادی - معصومه- اثربخشی آموزش راهبردهای خودتنظیمی بر خودکارآمدی تحصیلی و سازگاری تحصیلی دانش آموزان ناسازگار- بهار ۱۳۹۸) بیان نموده است: «نمونه موردبررسی بر اساس هدف های پژوهش عبارت بودند از ۳۰ دانش آموز ناسازگار که به کمک آزمون سازگاری دانش آموزان دبیرستانی(AISS) ، ناسازگار تشخیص داده شدند و سپس با گمارش تصادفی به دو گروه آزمایش و گواه (هر گروه ۱۵ نفر) تقسیم شدند. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از پرسشنامه سازگاری دانش آموزان دبیرستانی سینها و سینگ (۱۹۹۳)، پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی جینگ و مورگان (۱۹۹۷) و پرسشنامه سازگاری تحصیلی کلارک (۱۹۷۶). به گروه آزمایش ۸ جلسه ۹۰ دقیقه ای راهبردهای خودتنظیمی آموزش داده شد و گروه گواه در این مدت آموزشی دریافت نکردند. داده ها با استفاده از تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد آموزش راهبردهای خودتنظیمی بر خودکارآمدی تحصیلی و سازگاری تحصیلی دانش آموزان ناسازگار دوره متوسطه در سطح $P < 0/01$ تأثیر معناداری دارد».

مقالات دیگری در این زمینه نوشته شده که از جمله آن: (کاکیا ؛لیدا- بررسی نقش آموزش والدین به نوجوانان ناسازگار در ایجاد سازگاری آنان در شهرستان های استان تهران- بهار ۱۳۸۷) در این مقاله بیان کرده است که: «در این پژوهش، در دوازده جلسه آموزش خانواده مفاهیم و آموزش های ذیل موجب کاهش ناسازگاری نوجوانان شده بود ۱-آشنایی والدین با محتوا و فرایند جلسات، ۲- آگاهی والدین نسبت به تاریخچه مطالعات و نظرات صاحب نظران راجع به نوجوانی، ۳- آشنایی با کاربرد اصول اصلاح رفتار، ۴- آشنایی والدین با شیوه های فرزندپروری، ۵- آگاهی والدین با ضرورت انضباط در فرایند اجتماعی شدن نوجوان، ۶- آگاهی والدین از روابط معیوب والدین و فرزندان و نحوه تأثیر آن در شخصیت نوجوان، ۷- آشنایی با ویژگی های رشد در دوره نوجوانی (دوازده تا پانزده سال)، ۸- آموزش ثبات به والدین، آن چنان که نوجوان بفهمد در مقابل رفتار خاص چه واکنشی وجود دارد، ۹- آموزش والدین نسبت به اصول و روش های برقراری رابطه انسانی با فرزندان، ۱۰- آشنایی والدین با روش های پاداش دادن به رفتارهای مطلوب فرزندان، ۱۱- آشنایی والدین با روش های تنبیه نسبت به فرزندان، ۱۲- آشنایی والدین با مفهوم خود و رشد هویت در نوجوان، مشکلات روان شناختی نوجوانی و روش های کاهش رفتارهای نامطلوب». »

ناسازگاری دانش آموزان در محیط آموزشی، بحث های زیادی را به خود اختصاص داده است. رفتارهای ناسازگارانه رفتارهایی هستند که با نظر پدر و مادر، معلمان، مدرسه و جامعه تطابق ندارد. اطرافیان این بچه ها احساس ناخوشایندی نسبت به رفتار آنها دارند به طوری که واکنش اطرافیان برای آنها نیز ناخوشایند است. این گونه رفتارها در بین پسرها بیشتر از دختران است. این اختلال با مشکلات دیگر دانش آموز شباهت زیادی دارد و تفکیک کردن آنها دشوار است. صفات و رفتارهایی که معلمان

آن‌ها را رفتار ناسازگار تلقی می‌کنند به شرح زیر است: پرخاش‌گری، گستاخی، حاضر جوابی، بهانه‌گیری، گوشه‌گیری، بی‌اعتنایی، دروغ‌گویی، بی‌نظمی، قانون‌شکنی و نظایر آنها.

علل رفتارهای ناسازگارانه

این‌گونه رفتارها به دلایل مختلفی در کودکان به وجود می‌آید و می‌تواند وابسته به عوامل محیطی، ژنتیکی، روانی، اجتماعی، عاطفی و تربیتی باشد که هر کدام را در ادامه‌ی مطلب به‌طور خلاصه توضیح می‌دهیم. زیستی: مثل از دست دادن عضوی از بدن، اختلالات بینایی و شنوایی، اختلال دستگاه‌های عصبی. ارثی: افرادی معتقدند که این‌گونه رفتارها و ناسازگاری‌ها از والدین به ارث می‌رسد. روانی: زمانی که کودک احساس تنهایی کند رفتارهایی مانند: ناخن جویدن، انگشت مکیدن و نظایر آنها در او مشاهده می‌شود. عاطفی: به دنیا آمدن کودک جدید در خانواده، احساس بی‌محبتی کردن از طرف خانواده، دست نیافتن به هدف، نداشتن احساس امنیت عاطفی به هر دلیل. اجتماعی: اختلاف و درگیری در خانواده، دعوا بین والدین، بد رفتاری از سمت هم سن و سال‌های خود، مشکلات اقتصادی، ترد شدن از سمت دیگران و مانند آن.

هر کودک شخصیتی مخصوص به خود دارد که با شخصیت دیگری فرق می‌کند. آموزگار و پدر و مادر اگر بخواهند واقعاً به کودکی که در مدرسه با سختی و مشکلاتی روبرو شده است کمک کنند، باید قبل از هرچیز شخصیت، احساسات، استعداد و بالاخره محیط کودک را به دقت مورد بررسی قرار دهند.

مشکلات خانوادگی اثر مستقیمی بر آمادگی، تمرکز و توجه دانش‌آموزان به درس و تحصیل دارد. وقتی والدین در وضعیت نامطمئن و اضطرابی قرار داشته باشند، نبود اطمینان و اضطراب را به کودکان منتقل می‌کنند. چنین کودکانی از آمادگی ذهنی لازم برای یادگیری و درک مطالب بهره‌مند نیستند و طبعاً از نظر تحصیلی با مشکلاتی مواجه می‌شوند. در خانواده‌های از هم پاشیده و خانواده‌هایی که یکی از اعضا آن به دلایلی از دست رفته است، کودکان از یک رابطه عاطفی مناسب بی‌بهره‌اند و چه بسا ذهن آنان به مسائل جانبی و نامربوط اشتغال دارد. چنین کودکانی رفتار ناسازگارانه از خود نشان می‌دهند.

گاهی والدین انتظارات بیش از حد از فرزندان خود دارند. اگر انتظارات و توقعات والدین از فرزند خود در حدی باشد که او نتواند آنها را برآورده سازد، در او مقاومت منفی ایجاد می‌شود. اغلب این مقاومت منفی در انجام وظائف و تکالیف درسی بروز می‌کند. اکثر والدین می‌خواهند که فرزندانشان زنگ و کوشا باشند و برای این کار به کودک خود فشار می‌آورند. هرچه فشار والدین زیاده‌تر شود، مخالفت فرزندان بیشتر می‌شود و از انجام تکالیف خود شانه خالی می‌کنند و بدینوسیله از آنان انتقام می‌گیرند و باعث عصبانیت والدین خود می‌شوند.

علل ناسازگاری کودک را در مدرسه صرفنظر از موقعیت خانوادگی اغلب بر پایه ویژگی‌های شخصیتی کودک توضیح می‌دهند. در حالی که بندرت مدرسه زیرسؤال برده شده است در صورتیکه مدرسه هم می‌تواند در بروز ناسازگاری دانش‌آموزان در محیط مدرسه و در خارج از آن موثر باشد.

سازگاری کودک در مدرسه عبارت است از مجموعه واکنش‌هایی که توسط آن، یک دانش‌آموز ساختار رفتار خود را برای پاسخی موزون به شرایط مدرسه و به فعالیت‌هایی که آن محیط از دانش‌آموز خواهد خواست، تغییر دهد، بنابراین هر عامل یا

عواملی که این پاسخگویی را در این محیط جدید دچار مشکل کند، زمینه‌ای برای ناسازگاری او فراهم خواهد کرد. بر این اساس ناسازگاری دانش‌آموز می‌تواند مربوط به موقعیت خانوادگی، ویژگی‌های شخصیتی، محیط مدرسه و محیط اجتماعی باشد.

برخی از والدین و هم‌چنین مربیان، رفتار ناسازگار دانش‌آموزان را به غلط تعبیر و تفسیر می‌کنند. آنان به شرایط و موقعیت‌هایی که باعث آن رفتار شده و هم‌چنین به نتایجی که دانش‌آموزان از بروز رفتار ناسازگار بدست می‌آورند، توجهی ندارند. مشکلات رفتاری دانش‌آموزان در شرایط خاصی بروز می‌کند و نتایجی برای آنان دارد.

علل و انگیزه های ناسازگاری ——— فرزندان:

علل ارثی

گروهی معتقدند بسیاری از ناسازگاری‌های کودکان ریشه در سرشت و طینت آن‌ها دارد که به همراه ژن از طریق والدین به آن‌ها منتقل می‌شود.

علل زیستی ——— مانند نقص عضو، اختلال در بینایی و شنوایی و اختلال در مغز و دستگاه‌های عصبی در قبل یا حین یا بعد از تولد می‌تواند از دیگر عوامل باشد.

علل روانی

مانند وجود فشارهای درونی، میل به استقلال، وجود تعارض و کشمکش در زندگی روزمره خصوصاً زمانی که کودک خود را بی‌پناه و بدون پشتوانه احساس کند عادات عصبی مانند ناخن جویدن و انگشت مکیدن و مانند آن در او مشاهده می‌شود.

علل عاطفی ———

مانند احساس محرومیت از محبت والدین، ناکامی از دستیابی به اهداف مورد علاقه، ولادت کودک جدید در خانواده، عدم امنیت عاطفی به هر دلیل ممکن.

علل اجتماعی

مانند نابسامانی و اختلاف و درگیری بین اعضای خانواده فمتار که ی والدین، بدآموزی از الگوهای خانه و مدرسه و جامعه، عدم مقبولیت در بین دیگران، یادگیری رفتارهای نامطلوب از گروه همسالان، عدم نظارت کافی والدینف عدم وجود قانون منصفانه و قاطع در خانه و مدرسه، مشکلات اقتصادی و نظایر آنها.

علل تربیتی

مانند عدم یا افراط محبت، ناهماهنگی بین عاملان تربیتی در خانه و مدرسه و جامعه، برآورده کردن تمام خواسته‌های کودک بدون چون و چرا و یا بالعکس، تنبیه بدنی و آزارهای روانی، مقایسه و تحقیر و سرزنش کودک .

چگونه با رفتارهای ناسازگارانه ——— فرزندان برخورد کنیم؟

اگر خود تحت فشارهای روانی ناشی از زندگی و کار قرار داریم و نمی‌توانیم رفتار و گفتار خود را کنترل کنیم، بهتر است قبل از انجام هر کاری در مورد فرزند به فکر روشی برای کنترل فشارهای خود باشیم که تحقیقات نشان داده است اگر والدین بتوانند برخی رفتارهای خود را تغییر دهند فرمانبری کودک بیشتر خواهد شد.

افکار غلط و انحرافی درباره فرزند خود نداشته باشیم. مثلاً فرزندم این کار را می‌کند تا حرص مرا در بیاورد. یا او باعث تمام مشکلات در خانه است. چنین افکاری زمینه به وجود آمدن احساس بسیار بد را نسبت به فرزند مهیا می‌کند و یقیناً بر رفتار ما و او اثر منفی می‌گذارد

از ارائه دستورات مبهم، کلی و تکراری اجتناب کنیم. مثلاً به جای این که بگوییم «خودت را جمع و جور کن» شفاف و مشخص بگوییم که از او چه می‌خواهیم مثلاً دوست دارم تا پنج دقیقه دیگر دفتر و کتاب هایت را از وسط اتاق جمع کنی. به جای سخنرانی و بحث و جدل، کوتاه و مؤثر با لحنی محکم ولی در کمال آرامش به او گوشزد کنیم که رفتارش در ما چه تأثیری گذاشته و اگر از این رفتار خود دست بردارد چه عاقبتی در انتظار اوست. به یاد داشته باشیم عاقبتی را برای او مشخص کنیم که شدنی و کوتاه مدت باشد. مثلاً نگوییم «برای همیشه از این خانه خواهم رفت» یا «حق نداری از این به بعد تلویزیون تماشا کنی» بهتر است بگوییم امروز از دیدن این برنامه محروم هستی و یا این هفته تو را به پارک نمی‌برم.

انجام دادن خواسته‌هایمان را وظیفه او ندانیم بلکه بعد از انجام دادن دستوراتمان او را با کلام و هدایای مورد علاقه تشویق نماییم.

با مشارکت فرزندمان لیستی از مهمترین قوانین در خانه به ترتیب و همراه با روش انجام دقیق آن‌ها تهیه کرده و پس از مشخص کردن نوع محرومیت برای انجام ندادنشان، با قاطعیت اجرا کنیم.

عوامل مشکل ساز را شناسایی و در جهت رفع آنها اقدام نماییم.

به نیازهای جسمی، عاطفی، روانی، اجتماعی، اقتصادی فرزندان بیشتر توجه کنیم.

سعی کنیم فرصتی را ایجاد کنیم تا کودکان بتوانند نسبت به رفتارهای نامناسب خود فکر کنند.

ارتباط خود را با مدرسه و مسئولان بیش از پیش تقویت کنیم

ار تنبیه بدنی اکیداً خودداری نموده و در صورت نیاز از محروم سازی های کوتاه مدت استفاده کنیم.

برای شنیدن مسائل و مشکلات فرزندان وقت گذاری کنیم.

از سرزنش و تحقیر کردن و مقایسه فرزندان جداً خودداری کنیم.

علایم هشدار دهنده خشم را به فرزندان آموزش دهیم تا بتوانند خشم خود را بهتر کنترل کنند از جمله علایم : علایم جسمی مثل (افزایش ضربان قلب، سریع شدن تنفس، عرق کردن، سفت شدن عضلات ، داغ شدن بدن و مانند آن)علایم فکری مثل (ازش متنفرم، می‌خوام بزَنَمش، داره به من زور می‌گه و نظایر آن) علایم رفتاری مثل (داد زدن، تهدید کردن، لرزیدن، لگد و کتک زدن، گریه کردن ونظایر اینها)

روشهای آرامش دهی را به آنها آموزش دهیم از جمله :

تنفس عمیق : یعنی دم عمیق با یک شماره و نگهداری هوا در شش ها تا چهار شماره و بعد بازدم آهسته با دو شماره. تجسم : یک تصویر آرامش بخش مثلاً خود را شناور داخل یک قایق که به آرامی همراه امواج تکان می‌خورد تجسم کنید یا تصور یک ساعت شنی که عصبانیت مثل دانه های شن به آرامی از بدنش خارج می‌شود. روش آدم آهنی و عروسک پارچه ای : از او می‌خواهیم مثل یک آدم آهنی عضلات خود را سفت کند و بعد از پانزده ثانیه

عضلات خود را سفت کند و بعد از پانزده ثانیه عضلات خود را مثل یک عروسک پارچه ای شل کند.

حرف زدن های مثبت با خود : ولش کن، بی خیال، خونسرد باش، نمی گذارم مرا عصبانی کند و مانند آن. یکی از دلایل عصبانیت و ناراحتی فرزندان این است که نمی توانند احساسات خود را به درستی بیان کنند، با کمک عکس و فیلم و نقاشی یا صورتک های کارتونی انواع احساسات مثل (خشم، ترس، شادی و غم و مانند آنها) را به آنها آموزش دهیم.

چون بسیار از ناسازگاری های کودکان به دلیل عدم آشنایی والدینی با مهارت های زندگی است توصیه می شود مهارت های ارتباطی مثل گوش دادن، ابراز وجود، حق مسأله و تصمیم گیری و دیگر مهارت های زندگی را خود بیاموزیم و به فرزندانمان نیز آموزش دهیم. (جهت آشنایی بیشتر می توانید به بروشورهای مهارت های زندگی از شماره ۳۴ تا ۴۴ مراجعه فرمایید)

در مورد رفتار ناسازگارانه دانش آموزان باید توجه داشته باشیم که:

- ❖ اولاً، رفتار ناسازگار یاد گرفته شده است. البته اختلالاتی که جنبه ارثی دارند را باید استثنا کرد.
 - ❖ ثانیاً، رفتارهای ناسازگار مختلفی که از کودک سر می زند مانند مخالفت، کناره گیری و عقب ماندگی تحصیلی بصورت مجزای از یکدیگر فرا گرفته شده اند و ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر ندارند.
 - ❖ ثالثاً، مشکلات رفتاری در موقعیت های خاصی بروز می کند.
 - ❖ رابعاً، هر رفتاری برای کودک نتیجه ای دارد و این نتیجه باعث تکرار آن رفتار می شود.
- گاهی لازم است برای بررسی و حل مشکلات رفتاری و تحصیلی دانش آموزان جلسات روانی با والدین تشکیل شود. در فرآیند مشورت با والدین معمولاً مطالب زیر عرضه می شود:

- رفتار دانش آموزان مورد بررسی قرار می گیرد. رفتار دانش آموزان را باید بصورت ملموس مطرح کرد. مطرح کردن رفتار بصورت عینی و ملموس می تواند به تغییر رفتار منجر شود.
- طریقه یادگیری رفتار ناسازگار برای والدین تشریح می شود. وقتی والدین نقش خود را در شکل دادن به رفتار بدانند از تنبیه و تشویق بی مورد استفاده نمی کنند.
- رشد کودک و مراحل آن برای والدین بیان می شود. اگر والدین مراحل رشد کودکان خود را بدانند انتظارات واقع بینانه ای از آنها خواهند داشت.
- شیوه تغییر رفتار به والدین آموزش داده می شود. بهتر است در مورد کودکان از روش های اصلاح و تغییر رفتار استفاده شود. والدین از این روش ها به راحتی می توانند استفاده کنند و از آن استقبال می کنند.

ناسازگاری دانش آموزان در محیط مدرسه مبحث بسیار گسترده ای است. در نوشتار قبل گفته شد که خود معلم و محیط مدرسه نیز می تواند عامل بروز یا افزایش ناسازگاری دانش آموز باشد. اما بیشتر اوقات ناسازگاری دانش آموز علل گوناگون و فراتر از محیط مدرسه دارد. برای کمک کردن به این گونه دانش آموزان، ابتدا باید آن ها را شناسایی کرد و به نیازهای آن ها پی برد زیرا در بسیاری از موارد عدم ارضای نیازها موجب ناسازگاری می گردد.

این نیازها عبارتند از:

نیازهای جسمانی: هرکسی در ابتدا باید نیازهای جسمانی خود را رفع کند تا بتواند به نیازهای دیگر از جمله یادگیری و آموزش دیدن بپردازد. دانش آموز باید از نظر جسمانی تأمین باشد تا برای یادگیری آمادگی لازم را به دست آورد. گاهی در محیط آموزشی نور کافی وجود ندارد، و یا سر و صدای محیط بسیار زیاد و آزارنده است. گاهی دانش آموز خسته، گرسنه و یا تشنه است. زمانی که دانش آموز به لحاظ جسمانی راحت نباشد شروع به بد رفتاری می کند.

هویت: دانش آموز نیاز به این دارد که برای او حرمت و شخصیت و ارزش قائل شوند. این نیاز به خصوص در دوره نوجوانی بیشتر خود را نشان می دهد. اگر این نیاز تأمین نشود و نوجوان احساس بی ارزشی کند معمولاً دست به رفتارهای ناسازگارانه می زند. در واقع از طریق این گونه رفتارها سعی در جلب توجه اطرافیان دارد. خانواده و معلمان و اولیای مدرسه باید برای شخصیت دانش آموز ارزش و حرمت قائل شوند.

امنیت: همه انسان ها به امنیت احتیاج دارند. اگر دانش آموز در منزل و یا کلاس درس احساس امنیت نکند، دچار ناراحتی شده و برای دیگران نیز ناراحتی ایجاد می کند. بنابراین در منزل وظیفه والدین و در مدرسه وظیفه معلم و اولیای مدرسه است که احساس امنیت و فضای امنی را برای دانش آموز فراهم کنند.

استقلال: در دوره ی نوجوانی احساس استقلال و نیاز به استقلال در فکر و تصمیم گیری بیشتر نمود پیدا می کند. دانش آموز ضمن وابستگی محدود به والدین و مربیان، باید احساس استقلال نیز بنماید.

خوب است والدین و معلمان گاهی اتخاذ تصمیم را به خود دانش آموز واگذار کنند. والدین و معلمان نباید سعی کنند تا نظرات خود را بر نوجوان تحمیل کنند و او را وادار به پیروی از نظرات خود بکنند. رعایت این موضوع به خصوص در منزل و توسط والدین از اهمیت زیادی برخوردار است. بدین وسیله و با محول ساختن کارهایی در حد توان دانش آموز به وی، نیاز استقلال دانش آموزان تأمین شده و ایجاد ناراحتی نخواهد کرد.

تعلق و وابستگی: در مقابل استقلال، نوجوان باید حس تعلق نیز داشته باشد. دانش آموز وابسته به خانواده، آموزشگاه و اجتماع است و باید احساس تعلق نموده و بداند که تنها نیست. چنانچه دانش آموز احساس تعلق نکند دچار ناراحتی شده و بنای ناسازگاری را می گذارد. این احساس معمولاً از طریق عضویت در گروه های دوستان، گروه های ورزشی و هنری مانند آنها تأمین می شود. خانواده و معلمان باید با حمایت از دانش آموز و پذیرفتن او این احساس را در وی تقویت کنند.

محبت: از جمله نیازهای اساسی انسان ها نیاز به محبت دیدن و محبت کردن است. دانش آموز باید از دیگران محبت ببیند و به دیگران نیز محبت بنماید، چنانچه دانش آموز از محبت لازم محروم بماند دچار ناراحتی شده و ایجاد ناراحتی خواهد کرد.

تجارب متنوع: هر فردی نیاز به تنوع و تازگی دارد و دانش آموز نیز از این قاعده مستثنی نیست. نباید دانش آموز را اسیر درس و تکلیف یکنواخت مدرسه کرد. والدینی که دانش آموز خود را ساعت ها مجبور به درس خواندن می کنند و او را از رفتن به مهمانی، تفریح و دیدن تلویزیون منع می کنند، در واقع زمینه ایجاد رفتار ناسازگارانه را در فرزند خود ایجاد می کنند. چنانچه دانش آموز را در چهار چوب برنامه های آموزشگاه اسیر کنیم خسته شده و ناسازگاری می کند. بنابراین فعالیت های فوق برنامه، ورزش های گوناگون، بازدیدها و نظایر آنها موجب تنوع در برنامه شده و به ارضای این نیاز کمک می کند.

موفقیت: موفقیت در زندگی منجر به اعتماد به نفس می گردد. والدین و اولیای مدرسه همواره باید تلاش کند که زمینه کسب موفقیت و تجرب موفقیت آمیز را برای دانش آموزان فراهم کنند. در مواردی که برنامه آموزشگاه بیشتر جنبه تنبیهی دارد و یا خارج از توانایی دانش آموز است، به دست آوردن موفقیت دشوار و منجر به شکست شده و در نتیجه شکست های مداوم به شخصیت دانش آموز لطمه وارد می آورد و باعث دلسردی وی می شود و او با شروع ناسازگاری ناراحتی خود را بروز می دهد.

فقر: یکی از نتایج نامطلوب فقر ناسازگاری است. دانش آموزی که از محرومیت های محیطی و امکانات رفاهی محروم است معمولا رفتار ناسازگارانه نشان می دهد.

اختلافات خانوادگی: خانواده و فضای خانواده اولین و مهم ترین عامل تشکیل شخصیت دانش آموز است. چنانچه دانش آموز در محیطی پر تنش زندگی کند و از نظر عاطفی تامین نشود، احتمالا رفتار ناسازگارانه بروز خواهد داد.

نواقص جسمانی: گاهی اوقات ناسازگاری ها ریشه جسمانی دارد. دانش آموزی که به علل مادر زادی، طبیعی، حادثه و تصادف دچار مشکلات جسمانی می شود، معمولا اعتماد به نفس کمتری هم دارد. به خصوص اگر این نقص مانع از فعالیت هایی شود که همسالان او قادر به انجام آن هستند.

والدین و اولیای مدرسه یا ایجاد اعتماد به نفس در دانش آموز، پرهیز از مسخره کردن وی باید به دانش آموز کنند و مانع بروز رفتار ناسازگارانه شوند.

ضرورت و امکان اصلاح

به دلایل متعددی که درباره ی وضع حال و روحیه چنین افرادی گفته ایم و بخاطر زیان های متعددی که از این طریق ممکن است متوجه خود فرد و دیگران شود ضروری است برای اصلاح چنین رفتار و یا درمان آن اقدام گردد.

ضرورت دیگری هم در این رابطه وجود دارد و آن اینکه ناسازگاری های دوران کودکی در صورت عدم درمان ممکن است به دوران بزرگسالی کشانده شود و حتی زمینه را برای مشکلات روانی خاصی فراهم کند که این خود ضایعه ای دیگر است. و ضرورت مهم آن این است که فرد برای زندگی اجتماعی ناگزیر به اتخاذ رسم و رسوم رستی است. ناگزیر به سازگاری و تطابق اندیشیده با جمع است. بدون اقدام اصلاحی در این زمینه نمی توان انتظاری داشت.

اما امکان اصلاح در آنان وجود دارد بدان خاطر که ناسازگاری نوعی بیماری و یا اختلال در فکر و روان است. با تشخیص درست و به موقع چه بسیاری ناسازگاری هائی که قابل درمانند و چه بسیار موانعی که در سر راه رشد انسان وجود دارد و از میان رفتنی است.

شیوه های اصلاح:

اما در طریق اصلاح و درمان ناسازگاری های این افراد شیوه ها و مراقبت هائی مطرح است که ما ذیلاً "به مواردی از آنها اشاره می کنیم و البته ضروری است ببینیم با چه روشی بهتر می توانیم به هدف و مقصد خود برسیم و در هر مورد با چه شیوه ای به پیش روییم تا موجبات سکون و آرامش بیشتر فراهم گردد.

۱- آموزش ها: در ایجاد سازگاری در کودک برای ما مهم است که شیوه و روش سازگار شدن و کیفیت زندگی مطلوب را به کودک بیاموزیم و به او یاد دهیم چه چیزی بد است. او باید مورد هدایت و راهنمایی قرار گیرد و بداند رفتار خود را چگونه نشان دهد. در هر وقت و فرصتی چگونه کار کند و به چه صورت از هدف و رغبت خود دور نماند. تذکرات والدین و مربیان در این زمینه تا حدودی می تواند کار ساز باشد. باید هر چند گاه یکبار او را موعظه کرد، پند داد و نصیحتش کرد و از او خواست خود را به گونه ای با وضع موجود تطابق دهد. عدم موضع گیری و آموزش سبب می شود که کودک عمل خود را درست مطلوب بداند و به همان صورت وضع رفتار خود را ادامه دهد.

۲- تفاهم و احترام: این هم اصلی مهم و سازنده است که اساس روابط و امر ونهی خود را با کودک بر مبنای تفاهم و احترام قرار دهیم. آغوش خود را برای محبت به او بگشائیم و سعی کنیم به او بفهمانیم که دوستدار و خیر خواه اوئیم. کودک باید دریابد که ما او را دوست داریم، به محبت و احترام ما باید مطمئن شود و بداند که در صورت امکان خواهیم کوشید نیازهای او را به سادگی برآورده سازیم.

۳- وادار به اندیشیدن: گاهی لازم است فرصتی برای کودک در نظر گیریم و امکاناتی فراهم آوریم که در سایه آن درست بیندیشد، در باره خود و رفتار خود مطالعه و تعمق کند، دریابد آنچه را که انجام می دهد درست است یا نادرست؟

۴- همکاری خانه و مدرسه: در امر تربیت و به ثمر رساندن کودک اشخاص بسیاری باید دست اندر کار باشند. همه کسانی که در طول مدت رشد کودک در سر راه او قرار دارند باید برای سازندگی همت گمارند. کودکی که به خانه دوستان و بستگان شما آمد و شد دارد ناگزیر از آنها تاثیر می پذیرد و بدین سان آنها هم باید در باره او روش درستی را معمول دارند. و یا طفلی که به مدرسه می رود ناگزیر از معلم و مدرسه و کلاس و برنامه و کودکان معاشر خود تاثیر می پذیرد. بر این اساس لازم است آنها هم اصول و ضوابطی را مراعات نمایند که حتماً این چنین می کنند.

غرض این است که هیچ خانواده ای بدون همراهی و همکاری اولیای مدرسه موفق به سازگار کردن کودک نا سازگار نیست، به همانگونه که هیچ معلم و مدرسه ای هم به تنهایی نمی تواند در این رابطه موفق باشد در اصلاح ناسازگاری ها به غیر از والدین و مربیان افراد دیگری هم می توانند دست اندرکار باشند، از جمله: کلینیک های روانی، مشاوران، درمان گران روانی، داستان ها، کتب و نوشته ها، روحانیون، مددکاران اجتماعی و نظایر آن و اصل در همه این اقدامات این است که تصویری نیکو از کودک ناسازگار تهیه کرده و اطلاعات درست را در اختیار بگذاریم.

۵- همچنین با گسترش روابط اعطای مسئولیت، ایجاد زمینه برای اشتغال، ایجاد زمینه اعتماد بخود، تمرین تسلط بر خود، درمان پزشکی، روان درمانی، تغییر محیط و ایجاد شرایط مناسب می توان در اصلاح کودکان ناسازگار موفق شد در عین حال باید یاد آور شویم که والدین و مربیان در طریق بازسازی شخصیت کودک باید از انجام رفتارهایی همچون ملامت های افراطی و تنبیه های سخت بپرهیزند.

چگونگی برخورد با دانش آموزان ناسازگار

اگر خودمان تحت فشارهایی از جمله فشارهای ناشی از کار و زندگی هستیم، قبل از هر چیزی باید خودمان را کنترل و آرام کنیم زیرا این کار باعث می‌شود دانش آموز احساس آرامش کند و بیشتر به حرف‌هایمان توجه نشان دهد.

فکر اشتباه و غلط در باره‌ی دانش آموز خود نداشته باشیم. به عنوان مثال: دانش آموزم یا فرزندم این کار را می‌کند تا اعصاب من را به هم بریزد یا تمام مشکلات موجود در خانه تقصیر اوست. چنین فکری تأثیر بسیار منفی بر روی فرزند و یا دانش آموز دارد.

درخواست خود را مستقیماً و بدون ابهام بگوییم. مثلاً به جای اینکه به او بگوییم مرتب و منظم باش، مستقیم از او بخواهیم وسایلش را جمع کند.

نقش مدرسه و معلمان

رسالتی که مدرسه در این زمینه دارد، درک رفتارهای دانش آموز و اصلاح آن‌ها از طریق ارتباط با والدین او می‌باشد. زیرا در مدرسه است که این واکنش‌ها ایجاد می‌شود. در هنگام ورود به دوره‌ی ابتدایی، کودک باید به دو تقاضای اساسی و جدی پاسخ دهد: ۱. تقاضای یادگیری ۲. تقاضا در مورد جدایی از محیط خانواده و جذب در گروه هم‌سالان. دوران تحصیل ابتدایی، تنها در یادگیری خواندن، نوشتن، حساب کردن و کلاً آماده‌سازی کودک برای زندگی در جامعه خلاصه نمی‌شود. این دوران مانند دیگر دوران تحصیلی، خود سازنده‌ی اشکال بدیع زندگی اجتماعی است. (ارتباطات کلاسی، گروه‌های بازی و گروه‌های هم‌سال در خارج از مدرسه هر کدام با کارکردهای مختلف)

محیط آموزشی می‌تواند منبع بروز ناهماهنگی باشد:

محیط آموزشی با عدم توجه به جنبه‌های فردی و اجتماعی دانش آموز، می‌تواند منبع بروز ناهماهنگی زندگی تحصیلی دانش آموز باشد. لازم به ذکر است اختلالاتی که در اثر عوامل ذکر شده در نزد دانش آموز پدید می‌آیند، اغلب ناگهانی نیستند، بلکه علائم تشخیص در مورد پیدایش آن‌ها وجود دارد؛ به شرط آن‌که نیروی انسانی آگاه برای شناسایی آن‌ها وجود داشته باشد. معلمان می‌توانند با رعایت کردن مواردی، بستری را برای شکوفا کردن استعداد بچه‌ها ایجاد و از به وجود آمدن رفتارهای ناسازگار جلوگیری کنند.

چگونه یک کودک ناسازگار می‌شود؟

✱ کمبود امکانات در محیط خانواده.

✱ عدم توجه والدین و دیگر اعضای خانواده.

- * احتمالاً وضعیت فیزیک و ظاهری مناسبی ندارد.
- * خشونت در محیط خانواده.
- * دیدن بی عدالتی و تبعیض و عدم احساس امنیت کودکان.
- * نامناسب بودن رفتار والدین با کودک و عدم بهره مندی از محبت آنها.
- * برآورده نشدن آرزوهای کودک و طردشدن از طرف والدین.
- * تحمیل انضباط بیش از حد به کودک و سلب آزادی های لازم از وی.
- * فقر و محرومیت اقتصادی در خانواده.
- * داشتن نقص عضو و مورد تمسخر قرارگرفتن بوسیله دیگران.
- * مهمتر از همه وضع نامطلوب خانوادگی می باشد.

با فرد ناسازگار چگونه برخورد کنیم؟

- * تقویت و تشویق رفتارهای مناسب بلافاصله، بعد از انجام آن رفتارها بوسیله دانش آموز.
- * آموزش مهارت های اجتماعی لازم به او از کودکی .
- * بررسی علت و ریشه ناسازگاری وی.
- * آموزش رعایت نظم و انضباط به او از کودکی.
- * واگذاری مسئولیت های در حد توان به وی.
- * عدم استفاده از تنبیه، زور و تهدید.
- * عدم استفاده از زدن برچسب و اتهام به او.
- * دعوت کردن او به آرامش.
- * تشویق در برابر جمع و دیگران.
- * آموزش چگونگی مطالعه صحیح و تشویق وی به این کار.
- * آموزش بمنظور آرام صحبت کردن.
- * عدم تمسخر در صورت داشتن لکنت زبان.

راههای پیشگیری از ناسازگارهای کودکان از کودکی

امروز اثبات گردیده است نتیجه جسمانی در مورد افراد ناسازگار به نتیجه مطلوبی نمی رسد، بلکه ممکن است عصبان و ستیزه جویی آنها را تشدید نماید. کودک از کودکی احتیاج به کنترل منطقی و عاقلانه دارد، اگر نه بخاطر رفتار نادرست تنبیه شود بایستی توأم با محبت و دلسوزی باشد.

امکانات کافی اعم از تفریحی، آموزشی و غیره از طرف خانواده و اجتماع در اختیار او قرار گیرد، تا بتواند در حد نیاز احتیاجات جسمی و روانی خود را ارضاء کند. در اینصورت امکان ناسازگاری و منحرف شدنش بسیار کم می شود.

حق کودک خردسال این است که بر او رحمت آری، در پرورش او بکوشی، از خطایش بگذری و پرده پوشی کنی، با او بسازی و کمکش کنی، لغزشهای کودکانه اش را بپوشی، که این خود سبب پشیمانی و اصلاح حال اوست باید با کودک مدارا کرد و با او

در نیفتاد، که این روش برای رشد کودک مناسبتر است و نتایج بهتری در سالیان بعد در دوران مدرسه برای او به عنوان یک دانش آموز به همراه دارد.

نتیجه گیری

در پایان می‌توانیم بگوییم که ناسازگاری دانش آموز مفهوم پیچیده‌ای است و می‌تواند ریشه‌های فردی، اجتماعی، خانوادگی و مدرسه‌ای داشته باشد. معلمان و والدین باید مطالعات خود را در زمینه‌ی مشکلات کودکان و دانش آموزان بیشتر کنند تا بتوانند مشکلات را از هم‌دیگر تفکیک کنند. زیرا توجه به انواع ناسازگاری‌های دانش آموزان و تشخیص آن‌ها از یکدیگر اهمیت خاصی در آینده‌ی تحصیلی و اجتماعی کودک دارد.

منابع

- کاکیا- لیدا؛ - بررسی نقش آموزش والدین به نوجوانان ناسازگار در ایجاد سازگاری آنان در شهرستان های استان تهران؛ مجله خانواده و پژوهش- شماره ۷؛ بهار ۱۳۸۷
- منظری توکلی - وحید- بررسی تأثیر آموزش راهبردهای پردازش هیجان مدار بر سازگاری تحصیلی دانش آموزان ناسازگار - تابستان ۱۳۹۷
- عارف نیا - سمانه؛ مقایسه طرح واره های ناسازگار اولیه در دانش آموزان دوره راهنمایی دارای اضطراب مدرسه و دانش آموزان عادی- زمستان ۱۳۹۱
- زنگی آبادی - معصومه- اثربخشی آموزش راهبردهای خودتنظیمی بر خودکارآمدی تحصیلی و سازگاری تحصیلی دانش آموزان ناسازگار- بهار ۱۳۹۸
- گوهری - نسیم؛ سلیمانیان - مرجان؛ مقاله های تربیتی آموزشی - ۱۳۹۵

<https://alavi.ir>